

The Study of “Ke” in Relative Clauses: A Typological Approach

Anita Bazian¹ , Arsalan Golfam^{*2}  & Hayat Ameri³ 

Vol. 14, No. 4, Tome 76
pp. 343-372
September & October
2023

Received: 15 July 2022
Received in revised form: 8 September 2022
Accepted: 16 September 2022

Abstract

As a multifunctioning morpheme, “ke” is actively present in both systems of speech and writing. In addition to its wide usage as an “Indefinite Pronoun”, “Complementizer”, “Focus Marker” and etc., the Complementizer “ke” adapting to no change appears at the beginning of Relative Clauses and accepts several different roles. This research is an attempt to study the grammatical, semantical and pragmatical functions of “ke” in Persian Relative Clauses. To present a rather comprehensive analysis, it provides a corpus of natural occurring data in Persian. The grammatical, semantical and pragmatical functions of “ke” was thoroughly studied in Relative Clauses afterward. This descriptive-analytic research which is within typological approach based on Comrie’s (1989) typological framework is an attempt to find the right answers to the following questions: which grammatical, semantic and pragmatic roles does “ke” have in Persian Relative Clauses? Regarding the main hypothesis, “ke” plays all the grammatical roles a noun phrase can have such as “subject, object, etc”. Findings show that “ke” presents various semantic roles like “agent, patient, ...” as well as a “Focus Marker” next to any constituent.

Keywords: relative clause, relativiser, semantic roles, new information, old information

¹ PhD Candidate in Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Literature & Humanities, University of Olum and Tahghighat, Tehran, Iran.

ORCID ID: <http://orcid.org/0000-0002-1374-5277>

² Corresponding Author, Associate Professor, Department of Linguistics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran; Email: golfamar@modares.ac.ir

ORCID ID: <http://orcid.org/0000-0002-9402-9079>

³ Associate Professor, Department of Linguistics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran;

ORCID ID: <http://orcid.org/0000-0002-2627-3862>

1. Introduction

Language typology, a dynamic branch in linguistics tries to achieve generalizations through comparison of different languages. Language Typology defines the patterns ruling the variations by studying varieties in languages. This approach aims to compare structures in languages and discover the systematic patterns of variations in them. Typology is both a theoretical approach and a way of understanding the entity of language. Comrie, a world known typologist, defines the language typology as a systematic study of variations among languages (Comrie: 2001, 25).

Persian Relative Clauses describe a noun or a noun phrase and include: 1) a head noun with two roles both in relative and main clauses. 2) a relative clause 3) a relativiser. Persian language benefits from both headed and headless (free) relative clauses. The head noun always exist out of the relative clause. The embedded relative clauses appear after the head noun. “Ke” as a relativiser introduces the relative clause. Remaining unchanged for any cases, and it represents various grammatical and semantic functions. Moreover, “ke” acts as a “Focus Marker” and a “Question Pronoun”.

This descriptive-analytic project aims to study various grammatical, semantic and pragmatic aspects of “ke” in Persian relative clauses within the typological approach based on Comrie’s (1989) framework. Data has been collected from natural reccuring spoken and written Persian sentences and the examples have been validated by Persian native speakers. The main hypothesis is that “ke” plays several different grammatical and semantic roles within a typological approach.

The research tries to answer the following questions:

- 1) what grammatical roles does “ke” have in Persian relative clauses?
- 2) what semantic roles does “ke” have in Persian relative clauses?
- 3) what pragmatic roles does “ke” have in Persian relative clauses?

2. Literature Review

Some research has been done on Relative Clauses such as Kouhbanani (1396), Bahrami (1395), Mahmoodi (1393), Sheikholeslami (1387), etc. Looking into the reviews of literature, we find out that most of the studies have been done on “ke” as a relativiser both in Persian restrictive and non-restrictive relative clauses and the “ke” remains unchanged in different situations. In the present descriptive-analytic project the attempt is made to examine “ke” in different aspects and discover its grammatical, semantic and pragmatic roles in Persian relative clauses.

3. Methodology

This descriptive-analytic research has been done within the typological approach based on Comrie’s (1989) framework. To present an almost comprehensive description of morpheme “ke” a natural recurring data of written and spoken Persian examples have come under close scrutiny. In the first place, the natural recurring sentences of written and spoken forms were collected. Then, “ke” was carefully studied in relative clauses to discover its grammatical, semantic and pragmatic roles.

4. Results

The findings of this research show that Persian relative clauses are typically of two types: 1) headed, which is head-external and post nominal and 2) headless (free). The existence of “ke” is obligatory in the beginning of restrictive and non-restrictive relative clauses. However, this relativiser can be optionally omitted after the quantifier group in headless relative clauses. As long as the replacement of the head noun by the relativiser “ke” in relative clauses, this morpheme can take several different grammatical, semantic and pragmatic roles. Studies in Persian have revealed that regarding this substitution “ke” in relative clauses represents the same

grammatical roles as a noun phrase does in a main clause such as “subject, direct object, indirect object, genitive”. Moreover, “ke” shares various semantic roles like “agent, pati-ent, source,...”.

Furthermore, this multifunctional morpheme can be a “Focus Marker” by being directly placed after almost any constituent, no matter carrying old or new information.



دوماهنامه بین‌المللی

د ۱۴، ش ۴ (پیاپی ۷۶)، مهر و آبان ۱۴۰۲، صص ۳۴۳-۳۷۲

مقاله پژوهشی

<http://dorl.net/dor/20.1001.1.23223081.1401.0.0.218.0>

بررسی نقش‌های «که» در بندهای موصولی:

رویکردی رده‌شناختی

آنیتا بازیان^۱، ارسلان کلفام^{۲*}، حیات عامری^۳

۱. دانشجوی دکتری تخصصی رشته زبان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۳. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۴

چکیده

«که» از پرکاربردترین تکواژها در نظام گفتاری و نوشتاری زبان فارسی است که علاوه بر کاربردهای گسترده‌ای چون ضمیر مبهم، متمم‌نما، نشانه تأکید و... به عنوان موصول‌نما در ابتدای بندهای موصولی بدون تغییر شکل حضور یافته و نقش‌های متفاوتی را پذیرا است. هدف اصلی این جستار مطالعه نقش‌های دستوری، معنایی و کاربردشناختی تکواژ «که» در بندهای موصولی زبان فارسی است. لذا برای ارائه توصیفی تا حد امکان کامل از تکواژ «که» بررسی دقیق مجموعه‌ای از شواهد طبیعی کاربرد این پدیده در زبان فارسی ضروری است. از این‌رو برای کارآمدی این تحقیق، داده‌ها از جملات طبیعی گفتاری و نوشتاری گویشوران زبان فارسی جمع‌آوری شده‌اند. سپس تکواژ «که» در بندهای موصولی براساس نقش‌های دستوری و معنایی و نیز کاربردشناختی مورد بررسی قرار گرفتند. در این پژوهش که مبتنی بر تحقیق توصیفی و تحلیلی است تلاش بر این است تا در چارچوب نظریه رده‌شناختی با تکیه بر تعمیم‌های رده‌شناختی کمری (1989) به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که در بندهای موصولی زبان فارسی تکواژ «که» کدام نقش‌های دستوری، معنایی و کاربردشناختی را به عهده دارد؟ در فرض اصلی تمام نقش‌های دستوری یک گروه اسمی برای «که» در نظر گرفته شده‌اند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که تکواژ «که» تمام نقش‌های دستوری یک گروه اسمی مانند: فاعل، مفعول ... را دریافت می‌نماید. این تکواژ نقش‌های معنایی متنوعی را چون کنشگر، کنش‌پذیر، هدف... پذیر است. همچنین «که» به عنوان نشانگر تأکید پس از هر سازه‌ای که هم دارای اطلاع کهنه و هم اطلاع نو باشد قرار گرفته و آن را مورد تأکید قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: بند موصولی، موصول‌نما، نقش‌های معنایی، اطلاع نو، اطلاع کهنه.

۱. مقدمه

رده‌شناسی زبان که امروزه یکی از شاخه‌های پویا و رو به گسترش در زبان‌شناسی است، می‌کوشد از رهگذر بررسی و مقایسهٔ زبان‌های گوناگون به تعمیم‌های فراگیر و در پی آن به شناخت جهانی‌های زبان دست یابد. به سخن دیگر رده‌شناسی به دنبال رسیدن به یگانگی‌ها از راه بررسی چندگانگی‌هاست. رده‌شناسی زبان به بررسی تفاوت‌های زبان‌ها در حوزه‌های مختلف پرداخته و الگوهای حاکم بر این تفاوت‌ها را توصیف و تبیین می‌کند. در این رویکرد هدف اصلی مقایسهٔ دستور زبان‌های مختلف با هم و آشکار کردن الگوهای نظام‌مند تنوعات موجود در زبان‌های دنیاست. امروزه رده‌شناسی هم یک رویکرد نظری به زبان است و هم روشی در جهت شناخت هر چه بیشتر ماهیت زبان است. برنارد کمری^۱ که برجسته‌ترین رده‌شناس حال حاضر جهان معرفی شده است رده‌شناسی زبان را به صورت «مطالعهٔ نظام‌مند تنوع بین زبان‌ها» تعریف کرده است که پیش‌انگارهٔ حاکمیت برخی اصول کلی بر تنوع میان زبان‌ها در این تعریف وجود دارد (Comrie, 2001, p. 25 به نقل از دبیرمقدم، ۱۳۹۲، ص. ۲). جملات مرکب ناهم‌پایه از ترکیب یک بند کامل و یک یا چند بند وابسته یا درونه به وجود می‌آیند. انواع بندهای وابسته عبارت‌اند از: بند متممی، بند موصولی و بند قیدی. بندهای موصولی از پرکاربردترین بندها در زبان فارسی هستند که رفتارهای نحوی و معنایی منحصر به فردی را از خود بروز می‌دهند. این بند یک اسم یا گروه اسمی را توصیف کرده و مشتمل است بر: ۱) هستهٔ بند موصولی که هم‌زمان دو نقش دارد: یکی در بند اصلی و دیگری در بند موصولی، ۲) بند توصیفگر، ۳) نشانهٔ موصول.

پسری که در کلاس شیطنت کرد برادر آواست.
 هستهٔ بند نشانهٔ موصول بند موصولی

زبان فارسی از هر دو نوع ساخت موصولی هسته‌دار و بدون هسته (آزاد) بهره می‌برد. هستهٔ ساخت موصولی همواره خارج از بند قرار دارد. این بند توصیفگر درون بند اصلی به صورت درونه واقع شده و پس از اسم ظاهر می‌شود. در زبان فارسی عوامل ربط در ابتدای بند وابسته ظاهر می‌شوند که از پرکاربردترین آن‌ها می‌توان به تکیواژ «که» اشاره کرد. «که» در زبان فارسی نشانهٔ موصول است که هم کارکردهای دستوری و هم نقش‌های معنایی را در این بندها به عهده دارد. این نشانهٔ موصول تنها دارای یک شکل بوده و در جایگاه‌های مختلف

تغییری در آن به وجود نمی‌آید. این تکواژ نقش‌های دیگری چون ضمیر پرسش و کانون‌نما را نیز داراست.

تا جایی که نگارندگان این سطور اطلاع دارند تاکنون پژوهشی با رویکرد رده‌شناختی بر روی کاربردهای متفاوت تکواژ «که» در زبان فارسی صورت نگرفته است. بنابراین هدف اصلی این جستار بررسی جنبه‌های دستوری، معنایی و کاربردشناختی تکواژ «که» در بندهای موصولی با رویکردی رده‌شناختی است. این پژوهش از نوع توصیفی و تحلیلی بوده و شالوده نظری آن را رویکرد رده‌شناختی برگرفته از تعمیم‌های کمری (۱۹۸۹) تشکیل می‌دهد. داده‌ها از جملات طبیعی زبان گفتار و نوشتار جمع‌آوری شده^۲ و مثال‌های ارائه شده در معرض قضاوت ششم زبانی گویشوران زبان فارسی قرار گرفته‌اند. همچنین تلاش بر این است تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که در بندهای موصولی زبان فارسی «که» کدام نقش‌های دستوری، معنایی و کاربردشناختی را به عهده دارد؟ فرض اصلی پژوهش آن است که در چارچوب نظریه رده‌شناختی تکواژ «که» نقش‌های دستوری و معنایی متنوعی را پذیراست. ساختار این مقاله بدین شکل است: در بخش دوم خلاصه‌ای از پیشینه پژوهش ارائه می‌شود. در بخش سوم چارچوب نظری تحقیق معرفی می‌شود. در بخش چهارم نگاهی به ویژگی‌های رده‌شناختی بندهای موصولی خواهیم داشت. در بخش‌های پنجم و ششم نیز به ترتیب به بحث و بررسی و نتیجه‌گیری پرداخته خواهد شد.

۲. پیشینه پژوهش

کوهبنانی و همکاران (۱۳۹۶) معتقدند فارسی فقط یک نشانه موصولی به نام «که» دارد. استفاده از «که» به بندهای موصولی فارسی محدود نمی‌شود، بلکه بسیاری از بندهای پیرو در ساخت جمله‌های مرکب با این حرف آغاز می‌شوند. این نشانه در تمام بندهای موصولی به صورت یکسان به کار می‌رود و مقوله‌هایی مانند: جاندار، شخص و شمار هسته تأثیری بر نمود صوری آن ندارد. فارسی اجازه حذف نشانه موصولی در هیچ یک از بندها را نمی‌دهد. بهرامی (۱۳۹۵) بیان می‌دارد که زبان فارسی تنها از حرف ربط «که» برای ساخت بند موصولی استفاده می‌کند. او معتقد است «که» را نمی‌توان ضمیر موصولی نامید، زیرا این کلمه نقش نحوی و حالت‌های دستوری را نشان نمی‌دهد و در نقش‌های مختلف نحوی تغییری

نمی‌کند.

محمودی (۱۳۹۳) معتقد است «ی» بلافاصله قبل از متمم‌نمای «که» همانند یک وند با هسته اسمی ماقبل خود ادغام می‌شود. همچنین عدم‌حضور هم‌زمان متمم‌نما و هسته‌نما با وجود سور باعث نادرستی شدن بند موصولی آزاد نمی‌شود، زیرا آنچه در بند موصولی آزاد حضورش اجباری است سور است.

هر کس (سی) را (که) می‌دید از او پول قرض می‌کرد.

شیخ‌الاسلامی (۱۳۸۷) بندهای موصولی را در زبان فارسی بر دو نوع تحدیدی و غیرتحدیدی می‌داند. بندهای تحدیدی در نقش وابسته پسین گروه اسمی آن را محدود می‌نمایند. بندهای غیرتحدیدی معنای هسته‌ای را که توصیف می‌کنند محدود نمی‌کنند، بلکه اطلاعات اضافه‌تری را درمورد آن بیان می‌کنند.

مشکوة‌الدینی (۱۳۸۴، ص. ۱۶۵) نیز معتقد است بند موصولی به دنبال همه وابسته‌های پسین و در جایگاه پایانی گروه اسمی به کار می‌رود و جلوی آن الزاماً حرف ربط «که» ظاهر می‌شود. وی می‌افزاید بند موصولی‌ای که به دنبال اسم نکره می‌آید بند موصولی وصفی و آنکه به دنبال اسم معرفه، اسم جنس و اسم نوع می‌آید، بند موصولی توضیحی است. کتابی که اکنون می‌خوانم.

مسلمانان که به دستور پیامبر عمل می‌کردند.

صفوی (۱۳۷۳) بین دو بند موصولی توصیفی و توضیحی تمایز قائل می‌شود و معتقد است هسته بند موصولی توصیفی دارای پسوند «ی» است. در حالی که پس از بند موصولی توضیحی مکت اجباری وجود دارد. وی به چهار نقش هسته موصولی (فاعلی، مفعولی، متممی و مضاف‌الیهی) در بند پایه و نیز بند موصولی اشاره دارد.

تقوایی‌پور (۲۰۱۴) معتقد است زبان فارسی زبانی هسته‌پایانی است که در آن استفاده از راهبرد تکرار ضمیر در بندهای موصولی مجاز است. وی بندهای موصولی را سازه‌های هسته‌بنیانی می‌داند که با متمم‌نمای «که» آغاز می‌شوند. زبان فارسی بی‌شباهت به زبان انگلیسی نمی‌تواند بدون «که» بند موصولی را آغاز نماید. این تکواژ در مطابقه، جاندار، جنسیت و شمار از هسته خود تبعیت نمی‌نماید. در این زبان برای ساخت بند موصولی از روش تکرار ضمیر و یا حذف کامل آن استفاده می‌شود.

مردی که شما دیروز ملاقات کردید. (حذف کامل هسته)

مردی که شما او را دیروز ملاقات کردید. (تکرار ضمیر)

مردی که شما دیروز ملاقاتش کردید. (شکل واژه‌بستی ضمیر «او»)

تقوایی‌پور بندهای موصولی آزاد را دارای ساخت دوبخشی می‌داند: بخش گروهی و بخش جمله‌ای. در بخش گروهی کلمه «هر» با کلمه سؤالی‌ای مثل «کی، کجا، چی» یا با اسمی مانند «کس، جا، وقت» همراه می‌شود. بخش جمله‌ای یک جمله زمان‌دار و ناتمام است که شامل خلأ یا ضمیر ابقایی است. در جایگاه فاعل و مفعول صریح فقط خلأ جایز است، درحالی که در جایگاه مفعول حرف اضافه و ملکی فقط ضمیر مجاز است. حرکت کل سازه در بند موصولی آزاد مجاز است. حضور متمم‌نما در این ساخت اختیاری است.

آقای (۲۰۰۶) بندهای موصولی را در زبان فارسی از نوع هسته‌بیرونی به همراه تکواژ اجباری «که» می‌داند. همچنین زبان فارسی را مجاز به استفاده از دو راهکار حذف و حفظ ضمیر می‌داند. بند موصولی تحدیدی دارای هسته اسمی به همراه «ی» است که این پسوند در بندهای موصولی غیرتحدیدی حضور ندارد.

رحیمیان (۱۹۹۹) طیفی از نقش‌های «که» را با بررسی رخدادهای اجباری، اختیاری و مقابله‌ای آن در زبان فارسی برمی‌شمارد: رابط وابستگی، حرف ربط قیدی، نشانگر تأکید و وسیله پرسش. او حضور «که» را در بندهای موصولی در شرایطی اختیاری می‌داند که ضمیری چون «آن‌چه» پس از هسته اسمی قرار گیرد، اما در بندهای موصولی محدودکننده و غیرمحدودکننده حضوری اجباری خواهد داشت.

آنچه خدا به من می‌بخشد کافی است.

کتابی که روی میز است گران‌بهاست.

کشاورز (۱۹۹۲) معتقد است زبان فارسی ضمیر موصولی ندارد و «که» تنها نشانگر موصولی است که می‌تواند با تمام اسم‌ها اعم از انسان و غیرانسان و افزوده‌های زمان و مکان همراه شود. «که» معادل تمام ضمایر موصولی در انگلیسی است. «که» به‌طور اجباری در بندهای موصولی حضور می‌یابد. او عنوان می‌دارد اسمی که درون بند درونه وجود دارد و با اسم هسته در بند اصلی هم‌مرجع است به تکواژ «که» تبدیل شده و در ابتدای بند درونه می‌نشیند.

با بررسی پیشینه پژوهش چنین برمی‌آید که آرای ارائه‌شده اساساً پیرامون معرفی تکواژ «که» به‌عنوان تنها موصول‌نما در زبان فارسی هستند که در انواع بندهای موصولی تحدیدی و غیرتحدیدی بدون تغییر حضور می‌یابد. اما در این پژوهش نگارندگان برآنند تا با نگاهی چندوجهی این تکواژ را از جنبه‌های نحوی، معنایی و کاربردشناختی مورد بررسی قرار داده تا به نقش‌های متفاوت آن درون بندهای موصولی دست یابند.

۳. چارچوب نظری

در مطالعه همگانی‌های زبان در پی‌یافتن ویژگی‌هایی هستیم که در میان زبان‌های بشری مشترک باشند، درحالی که در رده‌بندی زبان‌ها به دنبال یافتن تفاوت‌هایی میان زبان‌ها هستیم. در واقع این دو نوع روش مطالعه، یعنی بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌ها هر دو به موازات یکدیگر پیش می‌روند. «که» تکواژی دستوری است که مورد توجه دستورنویسان بوده و تعدادی از کاربردهای کلامی آن نیز معرفی شده‌اند و همچنین با بررسی جملات مرکب و بندهای موصولی و متممی در زبان فارسی به این تکواژ نیز اشاره شده است، اما تاکنون نقش‌های دستوری و معنایی و کاربردشناختی آن به صورت کامل از منظر رده‌شناختی مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند. بنابراین پژوهش حاضر با رویکردی رده‌شناختی و با تکیه بر تعمیم‌های کم‌ری (1989) نقش‌های دستوری، معنایی و کاربردشناختی تکواژ «که» را در بندهای موصولی مورد بررسی قرار می‌دهد.

۴. ویژگی‌های رده‌شناختی بندهای موصولی

بندهای موصولی به‌لحاظ نحوی تفاوت‌های زیادی در زبان‌ها دارند. بند موصولی الزاماً از یک هسته و یک بند توصیفگر تشکیل می‌شود که می‌تواند به بند پایه اضافه و یا سازه‌ای از آن باشد که آن‌ها را به ترتیب بند موصولی اضافه و بند موصولی درونه می‌نامند. براساس رده‌شناسی ترتیب واژه سه امکان برای نحوه قرارگیری هسته و بند موصولی وجود دارد:

۱. هسته اسمی پیش از بند موصولی می‌آید (پس‌اسمی^۳) مانند زبان انگلیسی.

۲. بند موصولی پیش از هسته اسمی می‌آید (پیش‌اسمی^۴) مانند زبان ترکی.

۳. بند موصولی، هسته اسمی را احاطه می‌نماید.

از منظر رده‌شناسی نقش هسته در بند موصولی یکی از مهم‌ترین پارامترهاست که چهار نوع مهم آن عبارت‌اند از:

صورت کامل^۵

ابقای ضمیر^۶

ضمیر موصولی^۷

حذف کامل یا خلا^۸

نوع کامل یعنی هسته اسمی در جمله درونه به صورت کامل در جایگاه معمول و یا با همان نشانه حالت عبارت اسمی ظاهر می‌شود. در نوع ابقای ضمیر هسته اسمی به صورت ضمیر در جمله درونه باقی می‌ماند. زبان فارسی راهکار ابقای ضمیر را برای موصولی کردن تمام روابط دستوری به جز فاعل و مفعول مستقیم به کار می‌برد. با مفعول مستقیم این نوع اختیاری است و با فاعل غیرمعمول است:

Mærd-i [ke (*u) bolænd qædd bud] juje ra košt.

Hæsæn mærd-i ra [ke zæn (u-ra) zæd] mišenasæd.

Mæn zæn-i ra [ke Hæsæn be u sibežæmini dad] mišenasæm.

ممکن است زبانی بیش از یک امکان برای ساخت بند موصولی داشته باشد. سه مثال بالا دو راهکار حذف و تکرار ضمیر را در زبان فارسی نشان می‌دهند که تا حدی در توزیع تکمیلی هستند (راهکار خلا فقط با فاعل و راهکار ابقای ضمیر فقط با مفعول غیرمستقیم). راهکار ضمیر موصولی بسیار در زبان‌های اروپایی یافت می‌شود. در این روش ضمیری در بند موصولی وجود دارد که به هسته اشاره می‌کند و به ابتدای بند رانده می‌شود (گاهی قبل از آن حرف اضافه قرار می‌گیرد). در حذف کامل هیچ نشانه آشکاری از هسته در بند موصولی نیست.

بسیاری از زبان‌ها محدودیت‌های سنگینی برای موصولی‌سازی دارند. این سلسله‌مراتب دسترسی موصولی‌سازی برای چهار جایگاه فاعل، مفعول مستقیم، مفعول غیرمستقیم و مالکیت در میان زبان‌ها ارائه شده است. در این سلسله‌مراتب موصولی‌سازی در جایگاه فاعل آسان‌تر از دیگر جایگاه‌هاست. در این الگو اگر زبانی بتواند در جایگاهی موصولی‌سازی نماید، به تمام جایگاه‌های قبل‌تر از آن نیز دسترسی خواهد داشت.

Subject >direct object >indirect object >possessor

۵. روش پژوهش

روش بررسی پژوهش حاضر مبتنی بر تحقیقی - توصیفی است و شالوده نظری آن را رویکرد رده‌شناختی برگرفته از اثر کمری (1989) تشکیل می‌دهد. برای ارائه توصیفی تا حد امکان کامل از تکواژ «که» بررسی دقیق مجموعه‌ای گسترده از جملات طبیعی گفتاری و نوشتاری کاربرد این تکواژ در زبان فارسی ضروری است. از این‌رو نخست داده‌ها از جملات طبیعی گفتاری و نوشتاری گویشوران زبان فارسی جمع‌آوری شده و سپس تکواژ «که» در بندهای موصولی داده‌ها براساس نقش‌های دستوری، معنایی و نیز کاربردشناختی مورد بررسی قرار گرفت. در بخش‌های بعدی به بررسی بندهای موصولی زبان فارسی و نقش‌های دستوری و معنایی و کاربردشناختی تکواژ «که» در این بندها پرداخته شده و در نهایت نتایج خواهند آمد.

۶. بحث و بررسی

۱-۶. بررسی بندهای موصولی در زبان فارسی

۱-۱-۶. ویژگی‌های ساختاری بند موصولی در زبان فارسی

ساخت موصولی یک گروه حرف تعریف مرکب است که شامل هسته موصولی و بند موصولی است که با هم یک سازه نحوی را تشکیل می‌دهند. این بند وابسته اسم است و نقش توصیفگر را دارد که شامل چند زیربخش است:

(۱) هسته بند موصولی؛ (۲) بند توصیفگر؛ (۳) نشانه موصول.

دختری که دیدید خواهر من است.

هسته نشانه موصول بند توصیفگر

بندهای موصولی گاهی درون گروه اسمی پایه و گاهی بیرون از آن قرار می‌گیرند و به ترتیب درونه^۱ و متصل^۲ نامیده می‌شوند. بندهای موصولی درونه به انواع هسته‌دار^{۱۱} و بی‌هسته^{۱۲} دسته‌بندی می‌شوند. گونه‌های هسته‌دار می‌توانند هسته‌درونی^{۱۳} و هسته‌بیرونی^{۱۴} باشند. در بندهای موصولی هسته‌درونی گروه اسمی هسته درون بند موصولی و در بندهای هسته‌بیرونی گروه اسمی هسته خارج از بند موصولی قرار می‌گیرند. در این زبان‌ها بند موصولی می‌تواند پسااسمی و یا پیشااسمی باشد. بند موصولی در زبان فارسی از نوع درونه،

هسته‌بیرونی و پسااسمی و نیز شامل بند موصولی بدون هسته (آزاد) است.

تکواژ «که» در زبان فارسی نشانهٔ موصول است که به صورت آشکار و یکسان در تمام بندهای موصولی حضور می‌یابد و مقوله‌هایی مانند جاننداری، شخص و شمار بر نمود صوری آن تأثیری ندارند. در زبان فارسی هسته می‌تواند هر نوع اسم و یا ضمیری باشد. در بررسی رده‌شناختی، ترتیب سازه‌ای بندهای زبان فارسی مانند سایر بندهای پیرو از آرایش SOV پیروی می‌کنند که همان آرایش سازه‌ای بند اصلی است. حضور «که» در بندهای موصولی درونه‌ای زبان فارسی الزامی است و تنها در بندهای موصولی آزاد پس از ضمیری چون «آنچه، هرچه» می‌تواند حذف شود.

آنچه (که) خدا به من می‌دهد نعمت است.

از جنبهٔ کاربردشناختی بندهای موصولی به انواع تحدیدی^{۱۵} و غیرتحدیدی^{۱۶} تقسیم می‌شوند. هسته در بند موصولی تحدیدی مصادیقی با طیف بالقوه معینی را داراست و بند آن طیف را محدود می‌سازد. در نحو زبان فارسی نشانهٔ ویژهٔ «ی» بند را محدود به یک مصداق می‌نماید. بند موصولی غیرتحدیدی اگرچه افزوده‌ای برای هسته‌اش به‌شمار می‌آید و حذف آن خللی در دستوری بودن جمله ایجاد نمی‌کند، اما حذف بند موصولی توصیفی برخلاف بند موصولی توضیحی موجب تغییر معنا می‌شود.

خانمی که با شما صحبت کرد روان‌پزشک است.

بند موصولی غیرتحدیدی (توضیحی) شیوه‌ای برای ارائهٔ اطلاعات جدید است، یعنی هسته برای شنونده مشخص است و بند موصولی اطلاعاتی اضافی درمورد هسته که از پیش شناخته شده است ارائه می‌دهد. این نوع ساخت با یک مکث (ویرگول)، نبود نشانهٔ «ی» پس از هسته و بندی که توضیحی درمورد هسته می‌افزاید ساخته می‌شود. امکان حذف این بند بدون ایجاد خللی در انتقال معنا وجود دارد. هستهٔ بند موصولی توضیحی می‌تواند اسم خاص، گروه اسمی معرفه، اسم جنس، گروه اسمی نکره و ضمیر شخصی باشد. در فارسی مانند انگلیسی سلسله‌مراتب هسته‌های بالقوهٔ بند موصولی توضیحی به صورت اسم خاص بیشترین دسترسی و ضمائر شخصی کم‌ترین دسترسی را به بند موصولی دارد.

خدا را که در همه حال حامی من است دوست دارم.

آن پیرمرد که چتر داشت معلم من است.

آب را که مایهٔ حیات است هدر ندهیم.
 او یک دوچرخه دارد که چهار چرخ دارد.
 من که شاگرد اولم از امتحان نمی ترسم.
 هسته می‌تواند در بند پایه دارای نقش‌های فاعلی، مفعولی، متممی و مضاف‌الیهی باشد:
 خواهرم که به سفر رفته بود برگشت.
 علی ماشینی را که تازه خریده بود داغون کرد.
 معلم با دانش‌آموزی که به او صفر داده بود صحبت کرد.
 دیوار کلاسی که تازه رنگ شده بود ریخت.

۲-۱-۶. راهبردهای نحوی موصولی‌سازی براساس نقش هسته

در تمامی بندهای موصولی زبان فارسی عنصری هم‌مرجع با هسته در بند موصولی ظاهر می‌شود. این عنصر با توجه به نوع هسته می‌تواند به صورت ضمیرهای منفصل شخصی، ضمیرهای متصل شخصی (واژه‌بست) و یا خلأ در جمله ظاهر شود.

زبان فارسی نقش نحوی اسم هسته در درون بند موصولی را از طریق راهبردهای حذف کامل هسته و به‌کارگیری ضمیر تکراری تعیین می‌نماید. در گونهٔ حذف کامل هسته هیچ قرینه‌ای از هسته در بند موصولی نیست. در جایگزینی هسته با ضمیر، هسته از طریق یک ضمیر در بند پیرو مشخص می‌شود که شیوهٔ متداول بندهای موصولی در زبان فارسی است. اگر هستهٔ بند موصولی نقش فاعلی داشته باشد، راهکار حذف و اگر دارای نقش مفعول مستقیم باشد شیوهٔ حذف یا ضمیر ابقایی به کار می‌رود. البته با آوردن ضمیر ابقایی درک آن واحد معنایی آسان‌تر خواهد شد. اگر هسته در نقش مفعول غیرمستقیم یا متممی باشد از هر دو شیوه می‌توان استفاده کرد. هسته در نقش اضافی حضور ضمیر ابقایی را الزامی می‌دارد:

دختری که کیف به دست داشت شاگرد اول کلاس است. (خلأ)
 مریم مردی را که علی (او را) معرفی کرده بود کاملاً می‌شناخت. (خلأ و یا ضمیر ابقایی)
 دختری که به او جزوه دادم شاگرد اول کلاس است. (ابقای ضمیر - ضمیر آزاد)
 مریم به مردی که پول داده بود غذا هم داد. (خلأ)
 مریم به مردی که بهش پول داده بود غذا هم داد. (ابقای ضمیر - ضمیر واژه‌بستی)
 راهبرد رایجی در ساخت بند موصولی بدون درونه‌گیری وجود دارد که ظاهر بند موصولی

را نداشته و شبیه به بند پایه است. این شیوه در زبان فارسی وجود دارد:

هفته‌ای را در آنجا گذرانیدیم، هفته‌ای که هرگز تکرار نشد.

یک کلبه‌ای آنجا هست که آن کلبه متروکه است.

در این نمونه‌ها هسته در بند موصولی به صورت کامل تکرار می‌شود. این گونه هم در زبان‌هایی که هسته در میان بند قرار دارد و هم در بندهای موصولی پس‌رو و پیش‌رو رخ می‌دهد.

۳-۱-۶. سلسله مراتب موصولی‌سازی

موصولی‌سازی در زبان فارسی برای تمام جایگاه‌های مربوط به گروه اسمی در دسترس است. اسم هم‌مرجع با هسته در بند موصولی می‌تواند از نقش‌های فاعلی، مفعولی، متممی و اضافه (مضاف‌الیه) برخوردار باشد.

مغازهای که تعطیل شد گران‌فروشی کرده بود. (فاعلی)

رستوران‌هایی که کنار جاده هستند کیفیت ندارند. (فاعلی)

کتابی را که برایم خرید به دقت خواندم. (مفعول مستقیم)

جزوهای را که برایش فرستادم پاره کرد. (مفعول مستقیم)

در دوره‌ای که ثبت نام کرده بودم شرکت نکردم. (مفعول غیرمستقیم)

پلیس به ماشینی که شلیک شده بود ایست داد. (مفعول غیرمستقیم)

کلاسی که پنجره‌اش شکسته بود تخلیه شد. (اضافه)

مدرسه‌ای که دیوارهای آن ریخته است ایمن نیست. (اضافه)

ویلايي که از قبلي بزرگ‌تر بود به فروش رفت. (مفعول مقایسه‌ای)

در برخی افعال مرکب جزء غیرفعلی گروه اسمی است که برای آن امکان موصولی‌سازی وجود دارد:

تصادفی که کردم کل زندگیمو عوض کرد.

گلی که خورد باعث اخراجش از تیم شد.

زمینی که خوردم سه روز من را از کار انداخت.

کشتاری که کردند در تاریخ ثبت شد.

۴-۱-۶. بند موصولی آزاد

بند موصولی آزاد برخلاف بند موصولی عادی بدون هسته اسمی آشکار است. این بند در

زبان فارسی از گروه سور و متمم‌نمای «که» تشکیل شده است. چنین بندهایی برخلاف بندهای هسته‌درونی و هسته‌بیرونی مرجع را درون خود دارند. گروه سور بخشی از بند موصولی است و نقش هسته را برای بند موصولی ایفا می‌نماید. ساخت موصولی بدون هسته (آزاد) نقشی معادل یک گروه اسمی (فاعلی یا مفعولی) را در جمله دارد. بندهای موصولی آزاد زبان فارسی از ترکیب «هر+کس، کجا، چیز و ...» تشکیل می‌شوند و می‌توانند همچون گروه اسمی یکی از نقش‌های فاعلی، مفعولی یا متممی را در جمله بپذیرند. در بند موصولی آزاد عدم‌حضور هم‌زمان متمم‌نما و هسته‌نمای «ی» با وجود سور باعث نادرستی شدن جمله نمی‌شود. آنچه در این بند اجباری است حضور سور «هر» است و حضور متمم‌نما اختیاری است.

هر کس را (که) می‌دید کمک می‌خواست.

هر جایی (که) با من هستی من خوشحالم.

از هر چیزی می‌ترسیدم سرم اومد.

برای هر چی که تلاش کنی بدست می‌آریش.

هرکس که کارت داره وارد بشه.

هر که را دیدی رازت را نگو.

در بند موصولی آزاد فارسی زمان و وجه فعل بند درونه‌ای می‌تواند متفاوت از فعل بند اصلی باشد:

هر چیزی که در دسترس قرار بگیرد/گرفت/می‌گیرد عادی می‌شود.

بند موصولی آزاد مانند بند متممی قابل حذف نیست، زیرا فعل اصلی جمله به هسته‌سوردار درونه‌گیری شده در بند نیاز دارد. در فارسی حرکت کل سازه در بند موصولی آزاد مجاز است، اما این حرکت بدون هسته به تولید جمله غیردستوری می‌انجامد:

هر کاری که می‌کند به من می‌گوید.

به من می‌گوید هر کاری که می‌کند.

به من هر کاری که می‌کند می‌گوید.

*هر کاری به من می‌گوید که می‌کند.

بند موصولی در درون هسته‌سوردار به گونه‌ای درونه‌گیری شده که با حذف آن جمله تغییر معنایی پیدا می‌کند و از نظر نحوی نادرستی و از نظر معنایی ناپذیرفتنی می‌شود. گویی

این بند موضوع یا متمم هستهٔ سوردار است و نه صفتی برای آن. بنابراین هستهٔ سوردار به بند موصولی منضم شده و از آن جدایی ناپذیر است:

هر چی که گفتی اشتباه بود.

*هر چی اشتباه بود.

در بند موصولی آزاد هسته‌نمای «ی» و «که» قابل حذف هستند. ولی حضور «هر» اجباری است:

به هر کس (ی) (که) دیدی بگو.

هر کجا با من هستی خوشحالم.

از درون بند موصولی آزاد همانند بند متممی می‌توان سازه را به خارج از گروه کمیت‌نما مبتدا نمود:

هر کجا که با من هستی خوشحالم.

با من هر کجا که هستی خوشحالم.

جایگاه وقوع بند موصولی آزاد در زبان فارسی، فاعل، مفعول و مفعول حرف‌اضافه‌ای است.

هرچه خواست گفت.

هر کجا رفت موفق نشد.

به هر چیزی دست زد طلا شد.

بند موصولی آزاد می‌تواند هسته‌های متوالی داشته باشد:

هر که هر چه می‌خواهد بگوید.

نمی‌شه که هر کی هر کاری می‌خواد بکنه.

هر کی هر جا می‌خواد بشینه.

تنها در بند موصولی آزاد و بند متممی فعلی، حضور متمم‌نمای «که» اختیاری است. در بند موصولی توصیفی و توضیحی حضور هسته‌نمای «ی» و متمم‌نمای «که» اجباری است.

۲-۶. ساخت اطلاع

زبان در بافتی اجتماعی به‌کار می‌رود که سخن‌گویان و مخاطبان در گفتمانی فی‌البداهه و یا از پیش‌تهیه شده قرار می‌گیرند. در این بافت‌های اجتماعی دانش و اطلاعات فرهنگی - اجتماعی

مبادله می‌شوند. انسان‌ها از زبان‌ها به روشی ساختمان‌د که پیام در آن حداکثر انسجام را دارد برای انتقال این اطلاعات استفاده می‌کنند. ساخت اطلاع آرایشی از جمله است که نشان می‌دهد چگونه گوینده جمله را در بافت می‌سازد تا تبادل اطلاعات را آسان کند و از طرفی این آرایش نشانگر تناسب گزاره اطلاعی بیان‌شده توسط گوینده در برابر دانش شنونده در لحظه بیان پاره‌گفتار است:

1-Bill opened the door.

2-The door was opened by Bill.

جمله نخست درمورد «بیل» است و «چه کاری انجام داد»، اما جمله دوم درمورد «در» است که «چه اتفاقی برایش افتاد». در جمله اول Bill مبتدا و opened the door خبر است. بررسی ساخت اطلاع در جمله سابقه‌ای طولانی دارد و به مطالعات زبان‌شناسان مکتب پراگ و در رأس آن‌ها ویلم متسیوس^{۱۷} در دهه ۱۹۲۰ باز می‌گردد. متسیوس بر مبنای مدل «نمای نقشی جمله»^{۱۸} بیان می‌کند که هر جمله از دو نوع اطلاع به نام «اطلاع مرتبط»^{۱۹} و «اطلاع خبررسان»^{۲۰} تشکیل شده است که به ترتیب آن‌ها را مبتدا و خبر می‌نامد. مبتدا به گفتمان اطلاع جدیدی را اضافه نمی‌کند، اما خبر حاوی اطلاع نو است. متسیوس به‌منظور تشخیص مبتدا و خبر از معیار پرسش و پاسخ‌هایی که به جملات نسبت داده می‌شود بهره می‌گیرد. مبتدا آن است که در جمله پرسشی و پاسخ آن تکرار می‌شود و «اطلاع کهنه» را دربردارد و خبر تنها در جمله خبری یعنی پاسخ حضور می‌یابد و حاوی «اطلاع نو» است. معمولاً در حالت بی‌نشان مبتدا در آغاز جمله و خبر در پایان جمله واقع می‌شود. از منظر رده‌شناختی مبتدا نشان‌دهنده اطلاع کهنه و از پیش‌انگاشته است که میان گوینده و شنونده مشترک است و معمولاً تمایل دارد که فاعل دستوری باشد. خبر و یا کانون به اطلاع جدید درمورد مبتدا که از پیش‌انگاشته نباشد اشاره می‌کند و اطلاعی را به دانش مشترک گوینده و شنونده می‌افزاید. گاهی امکان دارد تمام بند خبر واقع شود. هلیدی^{۲۱} (۲۰۰۴) در رویکرد «دستور نقش‌گرای نظام‌مند»^{۲۲} با بهره‌گیری از تعبیر متسیوس درباره ساخت اطلاع، آن را دوبخشی می‌داند. از نظر وی هر بند یا جمله دارای یک محتواس است که همان معنای گزاره‌ای آن است. گوینده این محتوا را در قالب ساختارهای نحوی سازماندهی می‌کند. در گفتار این محتوا به صورت یک یا چند واحد اطلاعی متجلی می‌شود. هر واحد اطلاعی از اجزای اطلاع کهنه و نو تشکیل شده است. اطلاع کهنه دانشی است که با جمله‌ای که گوینده تصور می‌کند در زمان بیان پاره‌گفتار در ذهن شنونده وجود دارد برانگیخته می‌شود و به نحوی بر مخاطب آشکار

است. در حالی که اطلاع نو اطلاعی است که از نظر گوینده برای شنونده شناخته شده نیست و با بیان پاره گفتار به آن دانش افزوده می شود. اطلاع کهنه و نو وابسته به یکدیگرند. به این معنی که هیچ اطلاع نو بدون اطلاع کهنه از پیش به وجود آمده وجود ندارد. مفاهیم مبتدا و خبر از منظر هلیدی گوینده محورند و گوینده تصمیم می گیرد چه سازه ای را در ابتدای جمله و کدام را در انتهای آن بیان کند. اطلاع کهنه و نو شنونده محورند و بر اساس ارزیابی گوینده از دانش شنونده صورت می گیرد. ارتشیک شیر^{۳۳} ساخت اطلاع را براساس ارتباط میان پرسش واژه و پاسخ توصیف می کند. سازه ای که پاسخ پرسش واژه است کانون است و آن سازه ای که در پرسش واژه می آید مبتدا قلمداد می شود.

الف- دانش آموزان چه کاری انجام داده اند؟

ب- دانش آموزان در جشن مدرسه شرکت کرده اند.

خبر(اطلاع نو)

الف- چه کسانی در جشن مدرسه شرکت کرده اند؟

ب- دانش آموزان در جشن مدرسه شرکت کرده اند.

خبر(اطلاع نو)

دبیرمقدم (۱۳۸۸، ص. ۱۲۱) تقطیع مبتدا و خبر را از دیدگاه گوینده و تقطیع اطلاعی جمله به اطلاع نو و کهنه را از منظر شنونده می داند؛ یعنی گوینده تصمیم می گیرد که چه عنصری را به عنوان زمینه ساز خبر قرار دهد و شنونده است که عنصری را برای اولین بار می شنود و نو تلقی می کند و یا عنصری براساس بافت گفتمان برای او قابل بازیابی و کهنه است.

۱-۲-۶. ساخت اطلاع در بندهای موصولی

ساخت اطلاع در جملات مرکب را می توان به دو شیوه مورد بررسی قرار داد:
الف) ساخت اطلاع بیرونی: جمله مرکب خود یک واحد اطلاعی به شمار می آید و بند وابسته به عنوان یک عنصر اطلاعی محسوب می شود.

بعد از مراسم بود که پلیس آمد.

اطلاع نو و کانون

ب) ساخت اطلاع درونی: بند وابسته خود دارای ساخت اطلاع درونی است و اجزای آن می توانند مبتدا و یا کانون قرار گیرند.

فکر می‌کنم که این کتاب رو مریم به علی داد.
کانون

در این پژوهش ملاک بررسی ساخت اطلاع بیرونی است. بند ناهم‌پایه می‌تواند مانند سازهٔ یک جملهٔ ساده باراطلاعی مبتدا و یا کانون را دربرداشته باشد. اگر بند موصولی را به همراه بند پایه درنظر بگیریم، به لحاظ ساخت کانونی می‌توان دو نوع ساخت موصولی را در هر دو بند موصولی توصیفی و توضیحی از هم تمیز داد:

الف) بند موصولی اطلاع نو و بند پایه اطلاع کهنه یا مفروض را دربرمی‌گیرد:

شیری را که سفید است دیدم.
اطلاع نو

این بند می‌تواند کانون پرسش قرار گیرد و در پاسخ به پرسش «چه چیزی را دیدی؟» مطرح شود.

ب) بند موصولی عنصری ازپیش‌انگاشته است و بند پایه اطلاع نو را به شنونده عرضه می‌دارد:

پولی که امانت بود، خرج شد.
اطلاع کهنه

الف) دیشب فیلمی رو که شبکهٔ سه پخش کرد دیدی؟
 ب) آره دیدم. ولی فیلمی که شبکهٔ دو پخش کرد تکراری بود.
اطلاع کهنه اطلاع نو

الف) هر چی می‌خونم نمی‌فهمم.
 ب) برای اینکه از روی اجبار می‌خونی، آدم باید درسی رو که می‌خونه دوست داشته باشه.
اطلاع کهنه اطلاع نو

الف) شما از چه زمانی به طراحی روی آوردید؟
 ب) من زمانی که شانزده سال داشتم کار طراحی رو شروع کردم.
اطلاع نو اطلاع کهنه

سازمان در نظر دارد اجرای پروژه را به پیمانکارانی که در مزایده برنده می‌شوند بسپارد.
اطلاع نو اطلاع کهنه

الف) شما قبلاً در مقطع دیگری تدریس می‌کردید؟

ب) بله در دبیرستان.

الف) چرا از دبیرستان به دبستان آمده‌اید؟

ب) در حال حاضر برای به‌دست آوردن تجربه‌ای که آنجا ممکن نبود به اینجا آمده‌ام.

اطلاع نو اطلاع کهنه

مدارس به عرصه رقابت وارد شده‌اند. مدارسی که آزمون‌های بیشتری دارند درصد

موفقیت بالاتری دارند.

با اینکه بندهای موصولی توضیحی دارای اطلاعی اضافه هستند، این اطلاع می‌تواند هم کهنه (از پیش‌انگاشته) و هم نو باشد.

توکیو، که پایتخت ژاپن است، جای مناسبی برای تحصیل است.

اطلاع کهنه

آلما را، که نامی ترکی است، دوست دارم.

اطلاع نو

پروژه ایران‌مال، که چند سال طول کشید، بسیار عظیم است.

اطلاع کهنه

اکثر غذاهای نیمه‌آماده، که سال‌ها با اشکال مختلف به فروش می‌رسند، از مواد نامرغوب تهیه

اطلاع کهنه

می‌شوند.

داخل حیاط یک ماشین بنز، که پلاک سیاسی داشت، پارک شده بود.

اطلاع نو

راننده تاکسی، که از قیافه‌اش معلوم بود جنوبی است، جلوی پام ترمز گرفت.

اطلاع نو

بیشتر مدارس غیردولتی، که هزینه‌های سنگینی دارند، خوب کار نمی‌کنند.

اطلاع کهنه

پس از رخداد زلزله کرمانشاه، که آن همه خسارت وارد آمد، هنوز زندگی کاملاً به روال

اطلاع کهنه

برنگشته است.

۳-۶. نقش‌های معنایی

نظریهٔ تتا^{۲۴} که مبین نقش‌های معنایی است در پی دستور حالت^{۲۵} مورد توجه قرار گرفت. دستور حالت انشعاب دوم از نظریهٔ معیار دستور زایشی گشتاری است. وظیفهٔ نظریهٔ تتا تعیین حالت‌های معنایی چون کنشگر، کنش‌پذیر، مبدأ و ... است. این حالت‌های معنایی در چارچوب نظریهٔ حاکمیت و مرجع‌گزینی^{۲۶} زیر عنوان «نقش‌های تتا» قرار دارند که اساساً همان حالت‌های معنایی در دستور حالت فیلمور هستند. نقش‌های معنایی در نتیجهٔ ارتباط تنگاتنگ نحو و معناشناسی به وجود می‌آیند و ابزاری برای نمایاندن ساختار موضوعی - نحوی فعل هستند. هر محمول ساختار موضوعی خاصی دارد که بیانگر نوع و تعداد عبارت‌های مورد نیاز آن است. محمول با مجموعه‌ای معین از نقش‌های معنایی همراه است که وجود آن‌ها برای دستوری بودن جمله ضروری است. نقش‌های معنایی متنوع هستند که پرکاربردترین آن‌ها از این قرارند:

- کنشگر^{۲۷}: انجام‌دهندهٔ رخدادی که محمول بیان می‌دارد.
 کنش‌پذیر^{۲۸}: کسی یا چیزی که تحت تأثیر رخداد محمول قرار می‌گیرد.
 پذیرنده^{۲۹}: چیزی که تحت تأثیر رخداد محمول جابه‌جا می‌شود.
 تجربه‌گر^{۳۰}: جانداري که رخداد محمول را تجربه می‌کند.
 هدف^{۳۱}: مکان یا چیزی که رخداد محمول در جهت آن حرکت می‌کند.
 بهره‌ور^{۳۲}: کسی یا چیزی که از رخداد محمول بهره‌مند می‌شود.
 خاستگاه^{۳۳} (مبدأ): مکان یا چیزی که رخداد محمول از آن آغاز می‌شود.
 ابزار^{۳۴}: وسیله‌ای که با آن رخداد محمول به انجام می‌رسد.
 جایگاه^{۳۵}: مکانی که در آن رخداد محمول به وقوع می‌پیوندد.
 گیرنده^{۳۶}: کسی که چیزی را دریافت می‌نماید.
 همراهی^{۳۷}: اسم جانداري که اسم جاندار دیگری را همراهی می‌نماید.
 کنش‌گیر^{۳۸}: نیرویی که برخلاف عملی اعمال می‌شود و یا برخلاف کنش‌گر مقاومت می‌نماید.

۴-۶. نقش‌های «که» در بندهای موصولی

۴-۶-۱. نقش‌های دستوری «که»

تکواژ مستقل «که» به عنوان موصول‌نما در ابتدای بندهای موصولی هسته‌دار به صورت

آشکار و یکسان حضور می‌یابد و مقوله‌هایی مانند جاننداری، شخص و شمار بر نمود صوری آن تأثیری ندارند. «که» در جایگاه اسم هم‌مرجع با هسته به کار می‌رود و نقش‌های دستوری متفاوتی را نمایان می‌سازد. به همین دلیل این تکواژ همان نقش‌هایی را که یک گروه اسمی می‌تواند دارا باشد پذیرا می‌شود. نقش‌هایی مانند: فاعل، مفعول صریح، مفعول غیرصریح، مضاف‌الیه.

مردی که عینک زده است معلم ماست. (فاعل)
 بچه‌ای که حرف‌شنوی دارد موفق می‌شود. (فاعل)
 غذایی که علی خورد مسموم بود. (مفعول صریح)
 دختری که دیدم مدیر آموزشگاه بود. (مفعول صریح)
 در روستایی که آب نبود زلزله آمد. (مفعول غیرصریح)
 کلیدی که با آن در را باز کردم شکست. (مفعول غیرصریح)
 باغی که دیوارش ریخته بود محصول خوبی داد. (مضاف‌الیه)
 درختی که به شاخه آن بندی بسته بودی را دیدم. (مضاف‌الیه)

۴-۲. نقش‌های معنایی «که»

دختری که گریه می‌کرد مادرش رو پیدا کرد. (تجربه‌گر)
 سربازی که گلوله را شلیک کرد جان باخت. (کنشگر)
 دفتری که پاره شد خیلی ارزشمند بود. (کنش‌پذیر)
 کلیدی که قفل را باز کرد شکست. (ابزار)
 در اتاقی که درس می‌خواندم موش بود. (مکان)
 انباری که آتش گرفت خیلی کشته داد. (جایگاه)
 برای آزادی‌ای که دنبالش بودیم جنگیدیم. (هدف)
 تویی که شوت کردی شیشه را شکست. (پذیرنده)
 از مدرسه‌ای که اخراج شده بود نامه‌ای دریافت کرد. (خاستگاه)
 دختری که جایزه را گرفت خواهر من بود. (گیرنده)
 با دوستی که مدرسه می‌رفتم قهر کردم. (همراهی)

به دانشجویی که لوح تقدیر گرفت وام دادند. (بهره‌ور)

داروی مسکنی که درد سیاتیک را فرونشاند خیلی هم قوی نبود. (کنش‌گیر)

با بررسی نمونه‌های ارائه‌شده تکواژ «که» در بندهای موصولی می‌تواند تمام نقش‌های معنایی در زبان فارسی همچون «کنشگر، کنش‌پذیر، کنش‌ابزار، کنش‌مکان، هدف، پذیرنده، تجربه‌گر، همراهی، اثرگذار»^{۳۹}، اثرپذیر^{۴۰}، آغازگر^{۴۱}، بهره‌ور، خاستگاه را پذیرا باشد.

۶-۴-۳. نقش‌های کاربردی شناختی «که»

در زبان فارسی ساخت اطلاع به کمک ابزارهای صرفی مانند «که»ی تأکید و «را»ی مبتدا، ابزار نحوی مانند ساخت اسنادی و شبه‌اسنادی، ابزار آوایی مانند تکیه تقابلی جمله و یا تلفیقی از این ابزارها صورت‌بندی می‌شود. نقش‌نمای «که» ابزار صرفی ایجاد ساخت اطلاع در جمله است که به آن «که» تأکید می‌گویند. «که»ی تأکید می‌تواند پس از هر سازه‌ای قرار گیرد و آن را مؤکد کند. این سازه می‌تواند دارای اطلاع نو یا کهنه باشد و همچنین با قرار گرفتن در انتهای بند کل آن بند را مورد تأکید قرار دهد. «که»ی تأکید بدون ایجاد خللی در جمله امکان حذف شدن را دارد، اما ساختار اطلاعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

راسخ مهند (۱۳۸۵) تأکید را که پدیده‌ای کلامی است در زبان فارسی بر دو نوع می‌داند: تأکید اطلاعی^{۴۲} که اطلاع نو را در اختیار شنونده قرار می‌دهد و دارای جایگاه بی‌نشان سازه قبل از فعل در جمله بوده و حرکت نمی‌کند. این تأکید می‌تواند بخشی از جمله شامل موضوع‌های درونی و متمم‌ها و یا کل آن را شامل شود. تأکید تقابلی^{۴۳} که دارای نوعی تقابل با اطلاع قبلی شنونده است، فرض قبلی وی را تصحیح می‌کند. با اینکه در تأکید تقابلی نیز ممکن است اطلاعی نو وجود داشته باشد، اما مهم‌ترین ویژگی آن نوعی برجستگی است. تأکید تقابلی دارای جایگاه بی‌نشان نیست و می‌تواند درمورد همه سازه‌های جمله مصداق داشته باشد.

اروجی و رضایی (۲۰۱۳) رویداد کانونی شدن در زبان فارسی را به صورت درجا توسط کانون‌نمای «که» می‌دانند. «که» می‌تواند پس از هر سازه‌ای در جمله قرار گیرد و آن را مورد تأکید قرار دهد، مانند «گروه اسمی، گروه صفتی، گروه حرف اضافه‌ای و گروه فعلی، فاعل، مفعول مستقیم، مفعول غیرمستقیم، فعل، متمم صفت برتر، متمم فاعل، متمم مفعول، افزوده منفی، بخش غیرفعلی فعل مرکب، بند شرطی، ضمیر شخصی، ضمیر اشاره، قید، گروه سور». شما مشکلات ما رو که خوب می‌دونید.

باز که مشقاتو نوشتی؟ (افزوده)
 نه که نخوام کمک کنم ها. (افزوده منفی ساز)
 هتل که خیلی شیک بود. (فاعل دستوری)
 پولم رو که پس گرفتم. (مفعول مستقیم)
 بهش که پول داده بودم. (متمم)
 از مرگ بالاتر که نیست. (متمم صفت برتر)
 آدرس رو به کسی نگفتی که؟ (محمول)
 بالآخره هوا گرم تر می شه که. (متمم فعل ربطی)
 لو که نمی ده. (همراه فعل مرکب)
 اگه بلد نبودم که انجام نمی دادم. (بند شرطی)
 تو که راز نگه دار نیستی. (ضمیر)
 گفتم که. (فعل)
 این که همش نیست. (ضمیر اشاره)
 همه که نیومدن؟ (سور)
 دختری که تعریف می کردی که این نیست. (بند موصولی)
 ماشینی که دزدیده شده که پیدا نشد. (بند موصولی)
 رستورانی که با هم رفته بودیم که اینجوری نبود. (بند موصولی)

۷. نتیجه

این مقاله در شش بخش تنظیم شده است. در مقدمه توضیح مختصری بر رده شناسی، بندهای موصولی و پرسش های مقاله آورده شده است. در بخش دوم آرای زبان شناسان ایرانی بر بندهای موصولی و «که» معرفی شده است. چارچوب نظری و روش پژوهش بخش های سه و چهار را تشکیل می دهند. در بخش پنجم بندهای موصولی زبان فارسی و نقش های «که» مورد بررسی قرار گرفته اند. در این بخش نتایج به دست آمده اعلام می شوند. بندهای موصولی در زبان فارسی از انواع هسته بیرونی پسارسمی و بدون هسته (آزاد) هستند. حضور «که» در ابتدای بندهای موصولی توصیفی و توضیحی اجباری و در بند

موصولی آزاد پس از گروه سور قابل حذف است. با توجه به اینکه در زبان فارسی موصول‌نمای «که» جایگزین اسم هم‌مرجع با هسته می‌شود می‌تواند نقش‌های دستوری، معنایی و کاربردشناختی متفاوتی را پذیرا شود. بررسی‌ها در زبان فارسی نشان می‌دهند که با توجه به جایگزینی اسم هم‌مرجع با هسته با تکواژ «که»، این تکواژ همان نقش‌های دستوری‌ای که یک گروه اسمی می‌تواند داشته باشد مانند: فاعل، مفعول مستقیم، مفعول غیرمستقیم، مضاف‌الیه را به نمایش می‌گذارد و در عین حال می‌تواند نقش‌های معنایی متفاوتی را چون کنشگر، کنش‌پذیر، خاستگاه ... دریافت کند. همچنین این تکواژ به عنوان عنصر تأکید پس از هر سازه‌ای قرار می‌گیرد و آن سازه را که چه دارای اطلاع کهنه و یا نو باشد، مورد تأکید قرار می‌دهد. علاوه بر این هر دو بند موصولی توصیفی و توضیحی می‌توانند دارای اطلاع کهنه و نو باشند.

۸. پی‌نوشت‌ها

1. B.Comrie
۲. آرتس (Aarts, 2000, p.173) چگونگی جمع‌آوری داده‌ها را بر دو نوع می‌داند: ۱. introspective data محقق براساس دانش زبانی خود اقدام به تولید داده‌ها می‌کند؛ ۲. attested data محقق از آنچه در اطراف خود مثلاً در مکالمات، رادیو و تلویزیون، کتاب و روزنامه می‌شنود استفاده می‌کند. به باور آرتس هیچ برتری در این دو روش وجود ندارد. در این مقاله پس از جمع‌آوری داده‌ها آن‌ها را در معرض قضاوت گویشوران زبان فارسی نیز قرار دادیم.

3. postnominal
4. prenominal
5. non-reduction
6. pronoun-retention
7. relative Pronoun
8. gap
9. embedded
10. adjoined
11. headed
12. headless
13. internally-headed
14. externally-headed
15. restrictive
16. non-restrictive

17. V.Mathesius
18. functional sentence perspective
19. relevant information
20. informative information
21. M.A.K Halliday
22. systemic functional grammar
23. N.Erteschik-shir
24. Theta Theory
25. case grammar
26. Government and Binding Theory
27. agent
28. patient
29. theme
30. experiencer
31. goal
32. benefactive
33. source
34. instrument
35. locative
36. receipient
37. comitative
38. counter-agent
39. affector
40. affected
41. initiator
42. information focus
43. contrastive focus

۹. منابع

- بهرامی، ک. (۱۳۹۲). بررسی رده‌شناختی راهبردهای ساخت بند موصولی در زبان‌های فارسی و آلمانی. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی (پژوهش‌های زبان‌های خارجی)، ۱، ۷۶-۶۱.
- حقیقین، ف.، و نجفی، پ. (۱۳۹۷). بازنمایی ساخت اطلاعی درونی و بیرونی در جملات مرکب زبان فارسی. مجله زبان و زبان‌شناسی، ۲۸-۱، ۲۵-۲۰.
- خورددین، س. (۱۳۹۳). ساخت بند موصولی در زبان فارسی: رویکردی شناختی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

- دبیرمقدم، م. (۱۳۹۲). رده‌شناسی زبان‌های ایرانی. ج ۲. تهران: سمت.
- دبیرمقدم، م. (۱۳۸۸). پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- راسخ مهند، م. (۱۳۸۵). ارتباط قلب نحوی و تأکید در زبان فارسی. ویژه‌نامه‌نامه فرهنگستان (دستور)، ۳، ۲۰-۳۲.
- شیخ‌الاسلامی، ا. (۱۳۸۷). نقش ساختار اطلاعی در خروج بندهای موصولی در زبان فارسی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه کردستان.
- صفوی، ک. (۱۳۷۳). برخی از ویژگی‌های بندهای موصولی فارسی. مجموعه مقالات دومین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی، ش ۸۰، دانشگاه علامه طباطبائی.
- محمودی، س. (۱۳۹۳). هسته‌نمای «ی» در بندهای موصولی. ویژه‌نامه‌نامه فرهنگستان (دستور)، ۱۰، ۱۴۷-۱۶۲.
- مشکوه‌الدینی، م. (۱۳۸۴). دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی). تهران: سمت.
- مولایی کوهبنانی، ح.، علیزاده، ع.، و شریفی، ش. (۱۳۹۶). نقش ویژگی‌های رده‌شناختی ساخت موصولی در تعیین ترتیب سازه‌ای فارسی. فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه الزهراء (زبان‌پژوهی)، ۲۸، ۸۷-۱۱۴.
- میرزائی، آ. (۱۳۹۵). موصولی‌سازی در زبان فارسی. ویژه‌نامه‌نامه فرهنگستان (دستور)، ۱۲، ۲۱۷-۲۳۵.

References

- Aarts, B. (2001). *English syntax and argumentation*. (2nd Ed.). Macmillan.
- Aghaei, B. (2006). *Clausal complementation in modern Persian*. Ph.D Dissertation, University of Texas at Austin.
- Bahrami, K. (2014). A typological analysis of relativization strategies in Farsi and German. *Journal of Foreign Language Research*, 3(1), 61-76. [In Persian]
- Comrie, B. (1989). *Language universals and linguistic typology*. (2nded). University of Chicago Press.
- Dabirmoghdam, M. (2013). *Typology of Iranian languages*. SAMT. [In Persian]
- Dabirmoghdam, M. (2009). *Persian linguistic studies*. (2nded.). University Publication Center. [In Persian]

- Erteschik-Shir, N. (2007). *Information structure*. Oxford University Press.
- Haghbin, F., & Najafi, P. (2019). Internal and external information representation in complex sentences of the Persian language. *Language and Linguistics*, 14(28), 1–25 Winter and Spring, [In Persian]
- Halliday, M.A.K. (2004). *An introduction to functional grammar*, 3rd ed. Edward Arnold.
- Keshavarz, M. H. (1992). Relativization in Persian. *The International Journal of Humanities*, 3(3), 39–43.
- Khordbin, S. (2014). *Relative clause construction in Persian*. Master's Degree, Tarbiat Modares University. [In Persian]
- Mahmoodi, S. (2014). Head-Marker “ye” in Persian relative clauses. *Dastoor*, 10, 147–162. [In Persian]
- Mathesius, V. (1975). *A functional analysis of present day English on a general linguistic basis*. Edited by Josef Vachek, Walter de Gruyter.
- Meshkatodini, M. (2005). *Persian grammar*. SAMT. [In Persian]
- Mirzaei, A. (2016). Relativization in Persian. *Dastoor*. 12, 217–235. [In Persian]
- Mowlai Kuhbanani, H., & Alizade, A., & Sharifi, Sh. (2018). The role of typological features of relative clause on Persian word order. *Journal of Language Research*, 10(28).
- Oroji, M. R., & Rezaei, A. (2013). Exploring ke as a focus particle in Persian from both form and function point of view. *Australian Journal of Linguistics*. 33(1), 76–84.
- Rahimian, J. (1999). Obligatory, optional and contrastive occurrences of ke in modern Persian. *Linguistica Atlantica*, 21, 137–151.
- Rasekhmahand, M. (2006). Relation between Metathesis and focus in Persian. *Vije Name Farhangestan (Dastoor)*, 8(3), 20–32.

- Safavi, K. (1994). Some features of Persian relative clauses. *2nd Conference on Applied & Pragmatic Linguistics*. University of Allameh Tabatabaei. [In Persian]
- Sheikholeslami, E. (2008). *The role of information structure in relative clause extraposition in Persian*. Master's Degree Thesis: University of Kordestan. [In Persian]
- Taghvaipour, M. (2014). *Resumptive pronouns in Persian relative clauses: An HPSG analysis*. University of Essex.